



ه.ا. سایه آینه در آینه

(برگزیده شعر)

به انتخاب دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

از کتاب سراب: ۱۳۳۰

۹	گل‌های یاس
۱۱	سراب
۱۳	آنا
۱۶	در لبخند او
۱۹	شیتاب
۲۲	شب سیاه
۲۴	مرگ روز
۲۶	عشق گمشده
۲۹	آشناسوز
۳۱	آواز نگاه
۳۳	اندوهرنگ
۳۵	در دِ گنگ

گل‌های یاس

دوش، آن رشته‌های یاس، که بود
خفته بر سینه دل‌انگیزت،
راست گفتمی که آرزوی منست
که چنان گشته گردن آویزت.

با چه لبخندهای نازآلود،
با چه شیرین‌نگاه شورانگیز،
باز کردی ز گردن و، دادی
به من آن یاسهای عطرآمیز!

بوسه دادم بسی به یاد تو اش:
دلم از دست رفت و مست شدم.

آن چنانش به شوق بوییدم
که به بوی خوشش زدست شدم.

دوش، تا وقت بامداد، مرا
گل تو در کنار بالین بود.
در بر من بخفت و عطر افشانند؛
بسترم، تا به صبح، مشکین بود.

به شگفت آمدم که: این همه بوی
ز گلی این چنین، عجب باشد!
حیرتم زد که: راز این گل چیست؟
که چنینم از آن طرب باشد!...

آه، دانستم، - ای شکوفه ناز! -
راز این بوی مستی آمیزت:
کاندر آن رشته، بود پیچیده
تاری از گیسوی دلاویزت!...

رشت، ۲۸ مرداد ۱۳۲۵

سراب

عمری به سر دویدم در جستجوی یار:
جز دسترس به وصل ویم آرزو نبود.
دادم درین هوس، دل دیوانه را به باد؛
این جستجو نبود.

هر سو، شتافتم بی آن یار ناشناس،
گاهی ز شوق، خنده زدم، گه گریستم.
بی آنکه خود بدانم ازین گونه بی قرار
مشتاق کیستم!

رویی شکفت چون گل رؤیا و، دیده گفت:
- «این است آن پری که ز من می نهفت رو.